

## کفش های تنبل

کفش هایم بی نهایت خسته اند...



کفش هایم بی نهایت خسته اند  
راه رفتن را به رویم بسته اند  
من به فکر کوه و دشت و جنگل  
می کشد خمیازه کفش تنبلم  
من به فکر رفتنم از راه راست  
کفش می گوید: این راه خطاست  
من به فکر رفتنم از این مکان  
در مقابل کفش می گوید: بمان  
کفش ها را می کنم از پای خود  
می شوم راحت من از همپای خود  
رفت باید از میان سنگلاخ  
بی کلام و صحبت و بی آخ و واخ!  
کفش کهنه در بیابان نعمت است  
کفش تنبل هم بلای حرکت است